



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سر دبیر: سید افشین امیرشاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۱۴۸۳۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۷

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۲۰۰

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

telegram.me/Shahrvand_Newspaper

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

صفحه
آخر

این شرح بی نهایت

در دین خدا دانا شوید، دین شناسی و فقه، کلید بصیرت و کمال عبادت است. امام کاظم (ع)

خواب گران

می‌شوند از سردمهری دوستان از هم جدا
برگه‌ها را می‌کنند باد خزان از هم جدا
قطره شد سیلاب و واصل شده به دریای محیط
تابه کی باشیدی ای غیر تان از هم جدا
گردویی نسبت به هم صدمسال باشند آشنا
می‌کنیدی نسبتی در یک زمان از هم جدا
در نگرید صحبت پیرو جوان با یکدیگر
تابه هم پیوست، شد تیر و کمان از هم جدا
می‌پذیرد چون گلاب از کوره رنگ اتحاد
گر چه باشد بر ک برگ گلستان از هم جدا
تا تو را از دور دیدم، رفت عقل و هوش من
می‌شود نزدیک منزل کاروان از هم جدا
تا چو زنبور عسل در چشم هم شیرین شوند
به که باشد خانه‌های دوستان از هم جدا
در خموشی حرف‌های مختلف یک نقطه‌اند
می‌کنند این جمع را تیغ زبان از هم جدا
پیش آریاب بصیرت گفت و گوئی عشق و عقل
هست چون بیداری و خواب گران از هم جدا
گر چه در صحبت قسم‌ها بر سر هم می‌خورند
خون خود را می‌خورند این دوستان از هم جدا
نیست ممکن آشنایان را جدا کردن زهم
می‌کنند بیگانگان را آسمان از هم جدا
لفظ و معنی را به تیغ از یکدیگر نتوان برید
کیست صائب تا کند جان و جان از هم جدا
صائب تبریزی

تقویم تاریخ

رخداد

«نابودی ناوگان دریایی عثمانی توسط ناوگان مشترک قدرت‌های اروپایی مرکب از انگلستان، روسیه و فرانسه در جنگ دریایی ناوارینو، منجر به استقلال یونان پس از قرن‌ها (۱۸۳۷ میلادی)»
«آغاز سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۷ خورشیدی)»
«دیندار کمیته حسن نیت سازمان کنفرانس اسلامی شامل حبیب شطی، یاسر عرفات و محمد ضیاالحق با امام خمینی (ره) به منظور میانجیگری در جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹ خورشیدی)»
«پایان نبردهای داخلی لیبی در پی تسخیر شهر سرت و کشته شدن معمر قذافی (۲۰۱۱ میلادی)»

طلوع

«کریستوفر رن - دانشمند و معمار انگلیسی قرن هفدهم میلادی، معمار کلیسای جامع پل مقدس در شهر لندن (۱۶۳۲ میلادی)»
«گوتفرد آخن‌وال - ریاضیدان آلمانی و واضع علم آمار (۱۷۱۹ میلادی)»
«جان دیویسی - از معروف‌ترین فیلسوفان آمریکایی قرن بیستم، از پیش‌تازان عملگرایی (۱۸۵۹ میلادی)»
«جیمز جدویک - فیزیکدان بریتانیایی و برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۲۵ میلادی برای کشف نوترون (۱۸۹۱ میلادی)»

غروب

«یوجین ویکتور دیس - رهبر سنسندیکایی آمریکایی، از اعضای مؤسس کارگران صنعتی جهان و کاندیدای ۵بار حزب سوسیالیست برای رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا (۱۹۲۶ میلادی)»
«ادوارد دونل توماس - پزشک آمریکایی، برنده جایزه نوبل پزشکی سال ۱۹۹۰ میلادی، پدر پیوند مغز استخوان (۲۰۱۲ میلادی)»
«اسماعیل ازحام صدر - بازیگر تئاتر، طراح دکور، طراح لباس، طراح پوستر، نقش‌آفرین در نمایش‌های چون: پهلوان اکبر می‌میرد، بلبل سرگشته، ای با کلاه‌های بی‌کلاه (۱۳۹۲ خورشیدی)»

قاب کوچک



«هیپی‌های انگلیسی هم‌مان معمر قذافی - ۱۹۷۳ میلادی» قذافی در دهه ۷۰ میلادی به حکومت ایران آفریقا معمر قذافی رسید. قذافی ۴۷ سال پیش با کودتا بر علیه ملک آدریس سوسنی پادشاه لیبی قدرت را به دست گرفت و تلفیقی از سوسیالیسم و اسلام را در شیوه حکومت به کار برد. ناید شدیدن امام موسی صدر حمایت از گروه‌های بریکاد سرخ ایتالیا و از تنش جمهوریخواه ایران برد. انفجار لکربی، حمایت از نسل‌کشی مهاباد بر یوسنی، پشتیبانی نظامی از حکومت عبدی امین دیکتاتور اوگاندا و ... از جمله اتفاقات دوران ۴۲ ساله حکومت قذافی بر لیبی است.

گزارش شهر

تویتهایی از حلب

شهروند آنچه از حلب این روزها مخابره می‌شود، جنگ و نزاع است اما در گوشه‌های از این شهر یک مادر و دختر زندگی را به تصویر می‌کشند و با انتشار روزمرگی‌های خود تلاش می‌کنند جنگ را حتی برای لحظاتی از خاطره خود پاک کنند.

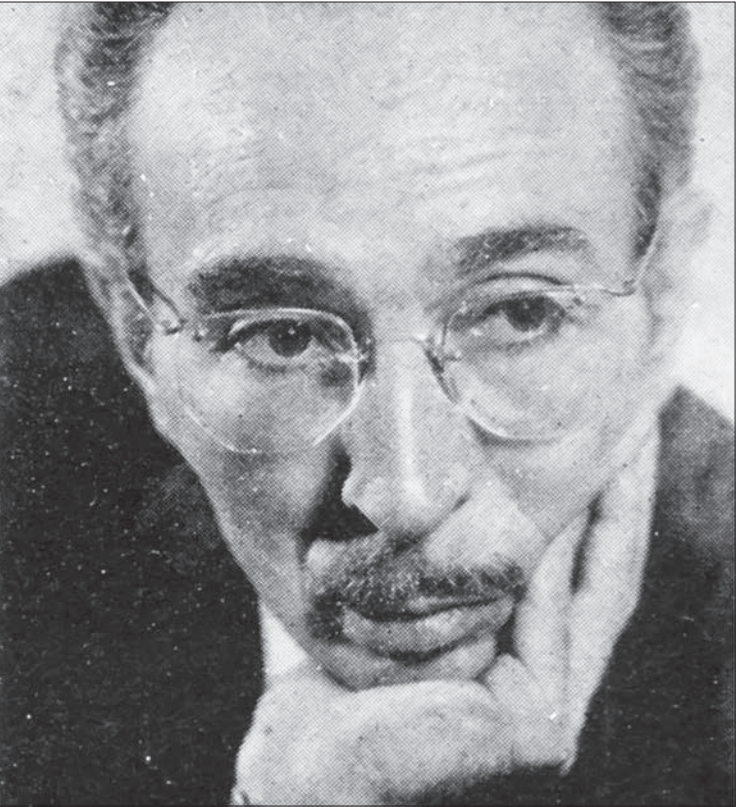
«بنالید»، یک دختر ۷ ساله سوریه است که حالا دوستان زیادی از سراسر جهان دارد. او که یک حساب توئیتری پرطرفدار با ۷۵ هزار دنبال کننده دارد، همراه با مادرش از روزمرگی‌های خود و دوستانش می‌نویسد. اولین توئیتهای او ۲۴ سپتامبر امسال با این جمله آغاز شد: «به صلح نیاز دارم». پس از آن او با گذاشتن عکس‌هایی از آنچه طی روز انجام می‌دهد و گفتن آرزوهایش به سرعت توانست نظر کاربران توئیتر را به خود جلب کند. توئیتهای بنالید با نقاب به زبان انگلیسی هستند. البته توئیتهایی که از سوی مادرش نوشته می‌شوند، ساختار دستوری بهتری دارند.

زندگی در شهر جنگ زده

بنا و مادرش از درگیری‌هایی که در شهرشان وجود دارد، تاکنون جان سالم به در برده‌اند و از شبکه‌های اجتماعی برای شرح وقایع زندگی خود استفاده می‌کنند. آن‌ها در بحبوحه جنگ میان ارتش سوریه و تروریست‌ها، با انتشار تصاویر و ویدیوهای خود و دوستانش که در حال نقاشی کردن یا آموزش زبان انگلیسی هستند، بخش کوچکی از زندگی رانشان می‌دهند. «کار دین» به سراغ این مادر و دختر رفته و از طریق «اسکایپ» به حال و اوضاع آن‌ها پرسیده است. به روایت کار دین، «فاطمه» مادر بنا در یک اتاقی کم‌نور نشسته بود اما صدای شلیک اسلحه‌ها و درگیری از بیرون می‌آمد. نوری نیز از پنجره وارد شده بود که ناشی از نور طبیعی روز نبود و در اثر بمباران خانه همسایه نور سفرفری به پنجره تابیده شده بود. هرچند تصاویری که آنها توئیتهای بنالید نشان از جاری بودن زندگی در حلب است اما زندگی برای آن‌ها خیلی آسان هم نبوده. میوه و سبزیجات در مغازه‌ها به سختی یافت می‌شود و به دلیل کمبود سوخت برای روشن نگه داشتن چراغ‌های خانه، این خانواده از یک

فوکوس

۹۳ سال پیش برابری بیست و نهم مهر ۱۳۰۵ خورشیدی ساهول خایجکیان، نویسنده کارگردان و تهیه‌کننده ماما در وار متی تبار سیمانی ایران در تبریز زاده شد. خایجکیان از جمله تاثیرگذارترین کارگردان‌های سینمای ایران به‌شمار می‌رود. تا آنجا که «هولتیک» «هیچ‌کس ایران» نامیده شده است. همچنین خایجکیان به «استاد دهر» و «موجت» سینمای ایران نیز معروف است. خایجکیان که در تدوین نیز دست داشت، در نورپردازی و کار فیلمبرداری در انش‌خالت‌چکر دو موسیقی‌آثارش را خود بر سر می‌گذازد. به گفته خودش، او همه این‌ها را بر پایه برداشت و دریافت درونی انجام می‌دهد. از معر و قهر فیلم‌های او می‌توان به چهار احوادث، شن‌شینی در جهنم، دهر، ضربت عقاب، یولو، یولو، افشار، مکرک.



من چه کسی هستم؟ (۲)

بی‌درنگ پاسخ خواهد داد که مشکلات زندگی مانع بزرگی برای خشنودی و رضایت من هستند به همین دلیل حال خوبی ندارم. اما واقعیت این است که هیچ کدام از این افراد و خیلی بیشتر از آن‌ها هرگز به این درک نخواهند رسید چیزی که مانع از خشنودی و رضایت‌شان است مشکلات و مصائب‌شان نیست بلکه همان موجودی است که در درون سر آن‌ها جای گرفته و ذهن نام دارد. باید تصور کنیم که برای یک لحظه جادویی تمام مشکلات شما در یک آن محو شوند و همه امور به همان ترتیبی باشد که مورد دلخواه شماست. اما آیا می‌توانید از این موضوع مطمئن باشید که شب هنگام و زمان خواب ذهن شما نسبت به آینده‌ای که در پیش خواهید داشت، نگرانی و دغدغه‌ای نداشته باشد. آیا می‌توانید به خود قول دهید که به گذشته‌تان فکر نکنید و رفتارهای خود و یادگیران را مورد نقد بررسی و سوا سوا گونه ذهن خود قرار ندهید؟ آیا می‌توانید در همین لحظه جادویی که تمام مشکلات شما بر طرف شده است نسبت به لحظه لحظه زندگی خود احساس خشنودی و خوشبختی داشته باشید؟ تمام این مطالب گویای این موضوع است که مشکلات و دغدغه‌ها، تنها بهانه‌هایی هستند برای دست‌نیافتن به درک و آرامشی که همه ما به دنبال آن هستیم. مشکلات هرگز و هرگز تمام نمی‌شوند اما در میان این ما هستیم که برای پایان دادن به آن‌ها باید به نشخوار

نفس عمیق



دنیای زامبی‌ها دنیای آشنایی است. در صنعت فیلم و سریال آن‌ها موجوداتی مرده و البته خیالی هستند که از خود هیچ اراده و کنترلی ندارند و گویی توسط نیرویی نهانی و پنهان به سمت طعمه‌های خود هدایت می‌شوند. میل به نابودگری و خوردن شکار از جانب زامبی‌ها، همیشه هیجان و ترسی لذت‌بخش برای بینندگان این نوع فیلم‌ها می‌سازد. به همراه دارد. در انتهای دین این فیلم‌ها هم خیال خود را آسوده می‌کنیم که چنین موجوداتی در دنیای واقعی ما وجود ندارند.

زمانی که در اتوبوس، مترو و یا در خیابان هستید کمی به چهره افراد پیرامون خود دقیق شوید. به سادگی متوجه خواهید شد که بیشتر آن‌ها فقط در حکم جسم و بدنی هستند که درون این وسایل نقلیه قسر گرفته‌اند و نگاه‌های خیره و ثابت‌شان نشان می‌دهد که ذهن و فکرشان به هیچ وجه حضوری در آن مکان ندارد. قطعاً ذهن‌شان درگیر مشکلات و دغدغه‌های همیشگی و پایان‌ناپذیر است که این چنین غرق در آن‌ها هستند و خود را فراموش کرده‌اند. اگر از یکی از آن‌ها سوال کنید که چرا چهره‌ات نگران و چشم‌هایت غمگین است

اعلان

این یک دعوت است

صفحه آخر «شهرود» در راستای سیاست‌های کلان روزنامه مبنی بر مشارکت هرچه ملموس‌تر مخاطبان در روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای به اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» را اجرا می‌گذارد. این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهایی چون زندگی اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، آداب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می‌کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهرود تصمیم دارد با اختصاص فضایی مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متمم حده فاصله گرفته و زمینه مشارکت عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را عینیت بخشد. شکل مشارکت در این طرح بر اساس سیاست‌ها و خطوط مثنی مصرح روزنامه تعریف شده و صفحه آخر «شهرود» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می‌داند. اما بر این نکته نیز انگشت می‌گذارد که مخاطبان به شرط خدش‌ساز نکردن ارزش‌های عرفی و شرعی حاکم بر جرمه، در طرح دیدگاه‌های خود - هر چند به سلاقی دست‌اندر کاران روزنامه در تضاد باشد - آزاد هستند.

■ در آینده مطالب منتخب و چاپ شده با اسم نویسنده در یک کتاب منتشر خواهد شد.

نخستین دعوت: ماه محرم

با فرا رسیدن ماه محرم و ایام شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع)، صفحه آخر روزنامه شهرود شما را به مکتوب کردن خاطرات تلخ و شیرین یاد دیدگاه‌های ارزشمندی و آسیب شناسانه در خصوص این ایام و هر آنچه که در حیطه آن قابل بررسی است از جمله آداب عزاداری، زنجیرزنی، نوحه خوانی، سبایی، نذر، رسوم، بدعت‌ها و... دعوت می‌کند. علاقه‌مندان به مشارکت می‌بایست متن‌های خود (حداقل ۳۰۰ و حداکثر ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده تا تاریخ ۳۰ مهر به آدرس ایمیل محرم و پس از آن با درج نام نویسنده منتشر شده و بدیهی است اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند. safhehakar@shahrvand-newspaper.ir

سوداگر مرگ نمرد!

دید، کمی بیشتر به گذشته‌اش فکر کرد. دستش به هر کاری می‌رفت، خودش را به همه چیز سرگرم می‌کرد اما توان رفتن به سمت دینامیت و مواد منفجره را نداشت. مواد منفجره که بخشی از زندگی او بودند و ازمایش روی آنها وقت زیادی را از او می‌گرفت، دیگر در نظرش پست و مهم‌ترین آمد. آلفرد همیشه به مرگ فکر می‌کرد، از قبل و صیتمانه‌اش را نوشته بود. رفت سریع کمد اتاقش، آن را برداشت و خط کشید روی خیلی از جمله‌ها و توصیه‌هایی که برای آیندگان داشت. او نمی‌خواست به دیگران پندهایی بدهد که بعد ترا خبر مرگشان توأم با خسرونت و آتش باشد. دوباره قلم بر کاغذ برد برای نوشتن وصیتنامه و این‌بار نوشت: «کلیه دارایی من باید توسط مجرای من وصیتنامه، برای خرید اوراق بهادار مطمئن سرمایه‌گذاری شود تا از سود آن هر سال به افرادی که در سال‌های آینده

از روزگار رفته

صادق رضازاده | چند روزی می‌شد که برای دین کن به فرانسه سفر کرده بود. صفحات روزنامه را ورق می‌زد که ناگهان خبری شوک‌آور او را به کلمات می‌خوب کرد. «آلفرد نوبل، سوداگر مرگ مُرد». برادرش لودویگ چند روز پیشتر مرده بود و همه لودویگ را با آلفرد اشتباه گرفته بودند. لقب «سوداگر مرگ» برایش سنگین و تلخ بود. او شب‌ها وقتش را به مطالعه و تمرین می‌گذراند و صبح‌ها را هم در آزمایشگاه به سر می‌برد. آلفرد از این می‌هاو و اشتباه گیج و ناراحت بود. مدام به این فکر می‌کرد که چرا باید از مرگش چنین تتری روی صفحه روزنامه نقش ببندد و دیگران را ورا اینگونه بشناسند؟ شناختی که آلفرد از قهر و رنج و مرگ و اسلحه باشد. آن روزها آلفرد معموتر و خسته‌تر از همیشه بود. دوباره وقتی خودش را در آزمایشگاه و میان یک مشت مواد منفجره و وسایل آزمایشگاهی

۲۱ آکتبر (۱۳۲۳)، سالروز تولد آلفرد نوبل، شیمی‌دان و مخترع دینامیت